

جنبش کار نان آزادی در مقیاس جهانی

به جرات می‌توان گفت که در دهه‌های اخیر هرگز مبارزه کارگران، زحمتکشان و جوانان برای کار - نان - آزادی در سراسر جهان تا این حد گسترده نبوده است. تنها در ماه گذشته شاهد اعتراضات گسترده‌ای در شیلی، هندوراس، اکوادور، هائیتی، عراق، هنگ‌کنگ و لبنان بودیم که انعکاس گسترده‌ای نیز یافتند. اوج‌گیری این مبارزات حتی آنتونیو گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد را نیز وادار به واکنش ساخت. او ۲۵ اکتبر با اشاره به اعتراضات در کشورهای مختلف جهان از خاورمیانه تا آمریکای لاتین، از رهبران کشورها خواست تا "به مشکلات مردم گوش دهند" او گفت: "دنیا با تاثیرات منفی جهانی‌سازی و فناوری‌های نو دست به گریبان است، اموری که نابرابری را در جوامع افزایش داده‌اند."

اگرچه اعتراضات چه از نظر شکل و چه از نظر طرح خواست‌ها، در کشورهای گوناگون با توجه به موقعیت اقتصادی، ساختار دولت، سنن تاریخی و مبارزاتی، ویژگی‌های قومی و غیره تا حدودی متفاوت از یکدیگر هستند و اگر باز هنگ‌کنگ را که مساله متفاوتی است به عنوان یک استثنا کناری بگذاریم، در مجموع خواست‌ها بر سه محور اصلی کار - نان - آزادی خلاصه می‌شوند. مثلا در شیلی، با توجه به ویژگی‌های آن خواست آزادی کم‌رنگتر بوده و موضوع کار و نان پررنگ هستند، ولی در کشورهای چون لبنان و عراق کار - نان - آزادی سه محور اصلی اعتراضات هستند به همان‌گونه که در دو سال اخیر در ایران نیز کار - نان - آزادی خواست‌های اصلی و محوری اعتراضات بوده‌اند، چه در دی‌ماه ۹۶ و مرداد ۹۷ و چه در اعتصابات و اعتراضات متعدد کارگران، معلمان، دانشجویان و غیره. در شیلی به‌رغم برخی عقب‌نشینی‌های تاکتیکی طبقه حاکم، اعتراضات همچنان ادامه دارد. در این اعتراضات تاکنون ۲۰ نفر کشته، ۶۰۰ نفر زخمی و سه هزار نفر بازداشت شده‌اند. در روز

در صفحه ۱

شیرینی "آزادی موقت" را وسیله‌ی آزادی بی‌قید و شرط سازیم



در صفحه ۴

خامنه‌ای نسخه سرکوب قیام مردم عراق و لبنان را پیچید

روز چهارشنبه، ۸ آبان (۳۰ اکتبر)، علی خامنه‌ای در مراسمی که به بهانه اعطای سردوشی به دانشجویان افسری ارتش برگزار شده بود، طی سخنانی، ناآرامی‌های جاری در عراق و لبنان را به آمریکا و متحدان آن نسبت داده و گفت: "بزرگترین لطمه‌ای که دشمنان می‌توانند به یک کشور بزنند، این است که امنیت را از آنان سلب نمایند، یعنی کاری که امروز در برخی از کشورهای منطقه شروع کردند و امنیت را از مردم می‌گیرند."

در صفحه ۶

تجمع اعتراضی بزرگ بازنشستگان در ۱۹ آبان



در صفحه ۱۰

قرار است روز ۱۹ آبان، بازنشستگان، گردهم‌آیی اعتراضی گسترده‌ای را در مقابل مجلس و سازمان برنامه‌بودجه برپا کنند. ۱۷ تشکل و گروه بازنشستگان، روز ۸ آبان ماه با صدور بیانیه مشترکی اعلام کردند: بار دیگر روز یکشنبه ۱۹ آبان، مقابل مجلس و سازمان برنامه‌بودجه گرد هم خواهیم آمد و در مقابل بی‌توجهی مسئولین، در یک حرکت متحدانه، در مصاف با شرایطی بی‌سابقه از فقر و فلاکت تحمیلی جمع خواهیم کرد. این بیانیه با اعتراض به عدم اجرای حتی قوانین نپسند تصویب‌شده‌ی خود دولت و مجلس و ادامه تعرض به سطح

با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، به جشن آزادشدگان بنشینیم

در صفحه ۸

آزادی موقت اسماعیل بخشی، خجسته و مبارک باد

در صفحه ۷

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

جنبش کار نان آزادی در مقیاسی جهانی

جمعه ۳ آبان تنها در سانتیاگو پایتخت شیلی حداقل یک میلیون نفر به خیابان‌ها آمده و دست به تظاهرات زدند. در سایر شهرهای مهم شیلی نیز در این روز، صدها هزار نفر دست به تظاهرات زدند. اعتراضات که در واکنش به افزایش ۴ درصدی بهای بلیط مترو (از ۸۰۰ به ۸۳۰ پزو یعنی حدود ۴ یوروسنت) شروع شده بود با اعلام اعتصاب عمومی از سوی اتحادیه‌های کارگری از روز چهارشنبه اول آبان گسترش یافت.

در حالی که رئیس‌جمهوری شیلی ضمن عذرخواهی از مردم شیلی بابت سیاست‌های ریاضتی و لغو افزایش بهای بلیط مترو، خطاب به مردم شیلی گفت "صدای شما را شنیدم" و وعده داد که مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی را به اجرا گذاشته و کابینه را تغییر دهد، اما کارگران، زحمتکشان و جوانان شیلی با ادامه اعتراضات خواستار استعفای رئیس‌جمهور، افزایش دستمزدها و بهبود خدمات آموزشی و بهداشتی شدند. گرچه شیلی از نظر سرانه تولید ناخالص ملی ثروتمندترین کشور آمریکای لاتین محسوب می‌شود، اما در عین حال نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی در این کشور بیداد می‌کند. همین نابرابری‌ها و گسترش فقر و بیکاری که خود نتیجه‌ی سیاست نئولیبرال و گسترش نابرابری‌های اقتصادی هستند، باعث شد تا افزایش بهای مترو به مانند جرقه‌ای عمل کرده و به آتشی مهیب منجر گردد، آتش خشم فقرا! آتشی که باعث شد رئیس‌جمهور شیلی از برگزاری دو نشست بین‌المللی برنامه‌ریزی شده در ماه‌های نوامبر و دسامبر صرف‌نظر کند.

در اکوادور، هندوراس و هائیتی نیز در روزها و هفته‌های گذشته شاهد اعتراضاتی با مضمونی مشابه بودیم. در اکوادور دولت این کشور در پی اعتراضات توده‌ای به حذف سوبسید سوخت، مجبور به عقب نشینی از تصمیم خود شد. دولت اکوادور در پی این اعتراضات در برخی از مناطق کشور از جمله کیتو پایتخت اعلام حالت فوق‌العاده کرده بود. تصمیم به حذف سوبسید سوخت بر اساس توافقی بود که بین دولت این کشور و صندوق بین‌المللی پول در ماه مارس گذشته و در چارچوب دریافت یک وام ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری صورت گرفته بود.

در هندوراس و هائیتی نیز معترضان به سیاست‌های ریاضتی، وضعیت اقتصادی و فساد حاکم بر کشور اعتراض کردند. در هندوراس این اعتراضات با اعتصاب همراه بود و به درگیری با پلیس منجر شد. در هائیتی اعتراضات به وضعیت اقتصادی و فساد حاکم منجر به کشته شدن ۲۰ نفر و

مجروح شدن ۲۰۰ نفر گردیده است. در سایر کشورهای آمریکای جنوبی و مرکزی نیز اعتراضات متعددی در جریان است از جمله در کلمبیا دانشجویان علیه فساد حاکم دست به تظاهرات زدند.

در عراق به‌رغم سرکوب شدید که تاکنون منجر به کشته شدن ۲۶۰ نفر و زخمی شدن ۱۱ هزار نفر گردیده است، اعتراضات نه تنها ادامه یافته بلکه دامنه آن نیز گسترش یافته است. در روز جمعه ۱۰ آبان، شهر بغداد شاهد بزرگترین تظاهرات اعتراضی از زمان سرنگونی صدام حسین بود، در این روز صدها هزار نفر به خیابان‌ها ریخته و میدان تحریر را به تسخیر خود درآوردند. نیروهای سرکوب با گاز اشک‌آور و گلوله‌های پلاستیکی به تظاهرکنندگان حمله کردند که در نتیجه آن یک زن پس از اصابت گلوله گاز اشک‌آور به سرش کشته شد و بیش از ۱۵۰ نفر نیز زخمی شدند. به دلیل محکومیت‌های داخلی و جهانی سرکوب خونین روزهای گذشته و عدم کارایی سرکوب برای عقبراندن معترضان، در روزهای گذشته از تعداد کشته شدگان تظاهرات کاسته شده است. ترس و وحشت حاکمان عراق از قیام توده‌های جان به لب رسیده، آن‌ها را به سرکوب شدید معترضان کشاند اما تنها نتیجه‌ی این سرکوب گسترش اعتراضات بود و همین عدم کارایی این سیاست را به حاکمان عراق ثابت کرد. جالب توجه این‌که بویژه در مناطق شیعه‌نشین تظاهرات گسترده‌تر و با استقبال بیشتری همراه بوده است.

اعتصاب معلمان عراقی و ورود دانشجویان و دانش‌آموزان به اعتراضات در روزهای گذشته به اعتراضات عراق که تاکنون نیروی میدانی آن عموماً جوانان بیکار بوده‌اند، ابعاد گسترده‌تری بخشید. اتحادیه معلمان عراق، دوشنبه گذشته با صدور بیانیه‌ای ضمن محکومیت خشونت علیه تظاهرکنندگان، به مدت چهار روز و تا روز یکشنبه ۲ نوامبر اعلام اعتصاب عمومی (به‌غیر از استان‌های واقع در اقلیم کردستان) کرد و از معلمان خواست تا با تظاهرکنندگان همبستگی کنند. در این بیانیه تأکید شده است که در صورت عدم تحقق خواست‌های معترضان، اتحادیه معلمان اقدامات دیگری را در دستور کار قرار خواهد داد.

در روزهای گذشته دانشجویان دانشگاه‌های دجله و الفراهیدی در بغداد دست به اعتراض زدند که نیروهای امنیتی عراق با محاصره دانشگاه‌ها و پرتاب گاز اشک‌آور به سوی دانشجویان سعی کردند دانشجویان را سرکوب و متفرق سازند. در شهرهای کربلا، بصره و استان میسان نیز هزاران

دانشجو در کنار دانش‌آموزان و جوانان بیکار در اعتراضات اخیر شرکت کردند.

به‌رغم آن‌که عراق هم اکنون بعد از عربستان سعودی دومین صادرکننده بزرگ نفت اوپک است، ۲۰ درصد جمعیت آن زیر خط فقر قرار دارند، ۲۵ درصد جوانان بیکار هستند و ۳ میلیون نفر در حاشیه شهرها زندگی می‌کنند. فساد گسترده مقامات حکومتی که هر کدامشان به یک قدرت منطقه‌ای و یا جهانی وابسته هستند، باعث شده است که مردم عراق هیچ اعتمادی به آن‌ها نداشته باشند. در انتخابات پارلمانی گذشته عراق نیز این بی‌اعتمادی با عدم شرکت گسترده‌ی مردم در انتخابات به‌رغم تمامی تبلیغات همراه بود.

در نتیجه تداوم اعتراضات مردم عراق، دولت عراق اقدامات متفاوتی حتی تغییر قانون اساسی را مطرح کرد و نخست‌وزیر عراق نیز آمادگی خود را برای کنارگیری اعلام نمود، اما هیچ‌کدام از این اقدامات نتوانست معترضان را راضی کند، معترضانی که بویژه از مشخص نشدن رسمی عوامل کشتار مردم عراق در دور اول اعتراضات توسط دولت به‌شدت عصبانی هستند.

در لبنان نیز اعتراضات بی‌سابقه ستم‌دیدگان جامعه به نتایج تقریباً مشابه‌ای مانند عراق همچون استعفای نخست‌وزیر و وعده‌هایی برای تغییر قانون اساسی منجر شده است. در لبنان همچون عراق تقسیم قدرت بین احزابی ثابت در چهره‌های قومی و مذهبی، باعث شده است تا این احزاب بدون هیچ نگرانی دهه‌ها بر ثروت لبنان و حاصل زحمات کارگران این کشور چنگ ببندازند. فساد مقامات حکومتی، بیکاری و فقر از عوامل اصلی اعتراضات ستم‌دیدگان لبنان است. مردم لبنان نیز مانند مردم عراق از احزاب حاکم خسته شده و به آن‌ها بی‌اعتماد هستند. آن‌ها با یک اقدام بی‌سابقه و تشکیل یک زنجیره انسانی از شهر طرابلس تا صور به طول ۱۷۰ کیلومتر که از بیروت نیز می‌گذشت خواستند این را ثابت کنند که مساله کارگران و زحمتکشان و جوانان لبنانی یک چیز است و طبقه سرمایه‌دار حاکم نمی‌تواند با گذاشتن نام شیعه و سنی و مسیحی و مازونی و غیره بر این مردم، آن‌ها را متفرق و از هم جدا سازد. در اعتراضات لبنان نیز جوانان از زن و مرد نقش مهمی ایفا کردند، جوانانی که با بهرگیری از شبکه‌های اجتماعی و بدون حضور یک حزب خود را سازمان می‌دادند. اعتراضات لبنان همچنین منجر به تعطیلی و اعتصاب سراسری در این کشور شده بود. تظاهرکنندگان همچنین جاده‌ها را مسدود کرده بودند که از روز چهارشنبه ۸ آبان در

جنبش کار نان آزادی در مقیاسی جهانی

کمک‌های مالی

سوئیس

۳۰ فرانک	علی‌اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسه‌چی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

دانمارک

۲۰۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰۰ کرون	خروش (نوامبر)

سوئد

۲۰۰ کرون	درود بر جان‌باختگان کمونیست
----------	-----------------------------

شهری در لبنان به شدت خراب است، قطع مکرر آب و برق و معضل جمع‌آوری زباله‌ها از جمله معضلات مردم لبنان هستند که بیانگر بی‌لیاقتی و فساد حاکمان است که مانند دولت عراق بر اساس آمارهای رسمی از فاسدترین دولت‌ها هستند.

بررسی اعتراضات و جنبش‌های اخیر توده‌ای این را نشان می‌دهد که جنبش کار - نان - آزادی در سراسر جهان در حال گسترش است. جنبشی که گسترش آن بر بستر واقعیت‌های عینی استوار است. نابرابری در جهان معاصر به‌حدی رسیده است که هرگز در طول تاریخ نبوده است و نکته مهم این است که به‌رغم تمام هشدارهایی که برخی از سیاستمداران بورژوا و نهادهای جهان سرمایه‌داری همچون "اکسفام" در رابطه با خطر این نابرابری‌ها داده‌اند، هر سال بر اساس همان گزارشات "اکسفام" نابرابری در حال گسترش است. از سوی دیگر این نابرابری در حالی گسترش می‌یابد که جهان سرمایه‌داری با بحران بی‌سابقه‌ای روبروست که بار این بحران نیز نه بر دوش آن یک درصدی‌ها که بر دوش اکثریت بسیار بزرگ جامعه ویران شده است. این وضعیت همچنین منجر به اتخاذ سیاست‌هایی از سوی برخی دولت‌های امپریالیستی همچون آمریکا شده که اگرچه ممکن است در مدت کوتاهی مثلاً در میزان بیکاری تأثیر بگذارد اما به سرعت با بحرانی عمیق‌تر خود را نشان خواهد داد. در واقع این مسکن‌ها تنها تأثیر آن به تعویق انداختن لحظه‌ای بحران است، بحرانی که با تعویق آن بر شدت آن نیز افزوده خواهد شد. هم اکنون بسیاری از بانک‌ها در اتحادیه اروپا به دلیل چشم‌انداز بحران اقتصادی، نرخ بهره سپرده‌ها را کاهش داده و به عدد صفر نزدیک کرده‌اند. نرخ بهره در این بانک‌ها هم اکنون به یک دهم تا دو دهم درصد رسیده است (۰/۱ تا ۰/۲ درصد). نه تنها سیاست‌های نئولیبرالی و تحمیل ریاضت اقتصادی به کارگران و زحمتکشان در کل جهان به شکست کامل منجر شده و حتی در کشورهای پیشرفته اروپایی و غیره مانند فرانسه منجر

توافق با ارتش راه‌ها را باز کردند. به دلیل تفاوت‌های لبنان و عراق، نیروهای وحشی حزب‌الله لبنان و جنبش امل نتوانستند مانند عراق دست به آدم‌کشی بزنند و تنها در موارد محدودی به تظاهرکنندگان با چوب و چماق حمله کردند که نه تنها نتوانست تظاهرکنندگان را متفرق سازد بلکه تنها نتیجه آن، شعارهایی بود که علیه این جریان‌ات داده شد. حتی در صورتی که مرکز جنبش امل بوده است یکی از مهم‌ترین شعارها، شعارهایی بود که علیه بنیبه بری رهبر این جریان داده شد. در نبطیه نیز تظاهرکنندگان دفاتر و مراکز حزب‌الله و امل مورد حمله قرار دادند.

اعتراضات اخیر لبنان در پی وضع مالیات‌های جدید از جمله مالیات بر ارزش افزوده، دخانیات، بنزین و بویژه مالیات بر مکالمات تلفنی از طریق "واتساپ"، "فیس‌تایم" و "فیس‌بوک" شکل گرفت. در واقع اعلام برقراری این مالیات‌ها که قرار بود از ۲۲ اکتبر عملی شود، مانند جرقه‌ای عمل کرد که منجر به خروش ستم‌دیدگان لبنانی از زن و مرد شد. اولین عقب‌نشینی دولت لبنان در برابر معترضین نیز لغو این تصمیم بود اما اعتراضات ادامه یافت و توده‌ای تر شد. صدها هزار نفر در سراسر کشور دست به اعتراض زدند. تنها صدها هزار نفر در میدان "ریدالصلح" بزرگترین اعتراض لبنان از سال ۲۰۰۵ را رقم زدند. اعلام کاهش ۵۰ درصدی حقوق سیاستمداران، بستن مالیات بر درآمد بانک‌ها و حتی استعفای سعد حریری نیز نتوانست این اعتراضات را خاموش سازد.

بدهی‌های خارجی لبنان بیش از ۱۵۰ درصد تولید ناخالص ملی این کشور است که بالغ بر ۶۰ میلیارد دلار است. بدهی‌هایی که سال به سال بر آن افزوده می‌شود و تنها در ۷ سال اخیر بیش از ۳۰ میلیارد بر این بدهی‌ها افزوده شده است. در ادامه همین سیاست بود که درخواست جدید دولت لبنان برای گرفتن وام از موسسات مالی جهانی به اتخاذ سیاست‌های ریاضتی مشروط شد و دولت لبنان را بر آن داشت تا مالیات‌های جدیدی را وضع کند که همین تصمیم به شورش فقرا منتهی شد. یک درصد ثروتمند جامعه که دولت را نیز در اختیار دارند ۵۸ درصد ثروت جامعه را در دست دارند و ۲۵ درصد درآمد ملی کشور در طول سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۴ به جیب همین یک درصد رفته است در حالی که بیش از یک چهارم مردم لبنان زیر خط فقر زندگی می‌کنند. نرخ بیکاری جوانان ۳۷ درصد است. خدمات

به اعتصابات و اعتراضات گسترده شده است، بلکه حتی سیاست‌های اقتصادی به اصطلاح سوسیال دموکرات‌های جدید از نوع سیریزا در یونان نیز با شکست کامل روبرو شده است.

واقعیت نظام سرمایه‌داری، نظامی که بر سود استوار است، این است که نه قادر است از نابرابری‌های اقتصادی بکاهد و نه بر بحران سرمایه‌داری که ناشی از تضادهای بنیادی این نظام است غلبه کند. ویرانی طبیعت، گسترش جنگ و افزایش سرسام‌آور هزینه‌های نظامی، روی آوری مجدد به مذهب و گسترش افراطگرایی مذهبی نه فقط در کشورهای اسلامی و اسرائیل بلکه حتی در کشورهایی چون آمریکا و تحت عنوان مسیحیت، قدرت‌گیری جریان‌ات راست افراطی و حتا فاشیستی آن هم در کشورهای همچون آلمان، همگی تظاهر وضعیت کنونی نظام سرمایه‌داری هستند که به اوج گندیدگی خود رسیده است. از همین رو جنبش کار - نان - آزادی جنبشی برای رهایی از این وضعیت، رهایی از نظام سرمایه‌داری است، جنبشی در حال گسترش که آینده آن و پیروزی قطعی آن تنها با برقراری مناسبات سوسیالیستی ممکن خواهد بود.

کار، نان، آزادی، حکومت شورایی

شیرینی "آزادی موقت" را وسیله‌ی آزادی بی‌قید و شرط سازیم



تصویری را دامن بزنند که گویا رأفت دستگاه حکومتی و "انسان‌گرایی" دستگاه قضایی و رئیس جلاّد آن ابراهیم رئیسی، مشمول این زندانیان شده است، باید تأکید کرد که در سیاست سرکوب‌گرانه رژیم حاکم، کمترین تغییری دیده نمی‌شود. احضارها و بازداشت‌های فله‌ای و حبس مخالفان و عناصر پیشرو جنبش‌های اجتماعی با قوّت تمام ادامه دارد. آزادی موقت این دلاوران، در گام نخست محصول ایستادگی، پایداری و مقاومت خود آن‌ها در برابر تمام محرومیت‌ها، محدودیت‌ها و در برابر شکنجه‌های جسمی و روانی است. ارتجاع حاکم برای در هم شکستن روحیه مبارزاتی این مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم و واداشتن آن‌ها به تسلیم، به انواع شکنجه‌ها و دسیسه‌ها متوسل شد. شرح شکنجه‌های وحشیانه‌ای که در مورد هر یک از این دلاوران اعمال شد و شرح تمام آنچه که دستگاه قضایی و سرکوب بر سر خانواده‌های این عزیزان آورده است از عهده یک یا چند مقاله خارج است و آن را در کتاب یا کتاب‌هایی حجم باید به ثبت رساند. در عین حال می‌دانیم که ترفندهای حکومتی از نوع اعتراف‌گیری‌های اجباری در زیر شکنجه و طرح‌های از پیش سوخته نیز نتایج معکوس برای رژیم بیار آورد و به زیان آن تمام شد. به‌رغم تمام این وحشی‌گری‌ها و شکنجه‌ها و فشارها، اما این زندانیان شکنجه شده، سرتسلیم فرود نیاوردند، به آرمان‌های انسانی خود وفادار ماندند و به مبارزه ادامه دادند ولو آن‌که مکان مبارزه از بیرون، به درون زندان منتقل گردید. ارتجاع حاکم تمام تلاش خود را به‌کار بست که با شکنجه‌های وحشیانه و بریدن حبس‌های سنگین و طولانی مدت، ترس و وحشت ایجاد کند و کارگران و زحمتکشان را از روی‌آوری به مبارزه باز دارد. اما ادامه مبارزات و اعتصابات کارگری، اعتراضات مکرر معلمان و بازنشستگان و دانشجویان، نشان داد که رژیم حاکم هیچ‌گونه توفیقی در این زمینه بدست نیاورده و تیر آن یک‌سره به سنگ خورده است. در تعیین وثیقه‌های سنگین غیرمعمول میلیاردی نیز در اساس همین هدف یعنی ارباب و

در صفحه ۵

تومانی به‌طور موقت از زندان اوین آزاد شد. نداجی فعال حقوق اجتماعی که روز یازده اردیبهشت ۹۸ بازداشت شده، همچنان در زندان است. مطابق آخرین خبرهای انتشار یافته توسط جمال عاملی همسر ندا ناجی، قرار است ۲۲ آبان ۹۸ نخستین جلسه دادگاه وی برگزار شود. اسماعیل بخشی کارگر محبوب هفت‌تپه که ۳۰ دی ۹۷ بازداشت و روزهای متوالی به‌طور وحشیانه شکنجه شد، پس از محاکمه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ۱۴ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است. اسماعیل بخشی نیز باید همان روز شنبه ۴ آبان آزاد می‌شد، ولی با کارشکنی‌های مقامات و دستگاه حکومتی، آزادی وی عملاً تا ۸ آبان به تأخیر افتاد. صرف‌نظر از وثیقه سنگین یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی که برای آزادی موقت اسماعیل بخشی تعیین شده بود و به کوشش وکیل مبارز کارگران هفت‌تپه فرزانه زیلابی به ۷۵۰ میلیون تومان تقلیل یافت، به بهانه‌ی این‌که ملک مورد وثیقه در دزفول واقع شده، تا انجام تشریفات اداری، اسماعیل بخشی را تا ۸ آبان در زندان نگاه داشتند و در این روز موقتاً از زندان اوین آزاد شد. علی‌نجاتی کارگر بازنشسته هفت‌تپه نیز که روز ۸ آذر ۹۷ بازداشت و به زیر شکنجه برده شد، کماکان بلا تکلیف و پرونده این عضو قدیمی سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه مفتوح است.

اگرچه آزادی هر چند موقت عزیزانی که فوقاً به آن اشاره شد، غنیمت بزرگی است برای همه اعضای خانواده این مبارزان، برای همه مدافعان آزادی و سوسیالیسم و برای خانواده بزرگ طبقه کارگر، اما به دو نکته بسیار مهم در این رابطه



باید توجه کرد. نخست این‌که برخلاف آنچه که دارودسته‌های حکومتی و پادوان کوچک و بزرگ رژیم، آشکار یا پوشیده، مستقیم یا غیرمستقیم سعی کرده‌اند و بعد از این نیز سعی خواهند کرد چنین

آزادی موقت اسماعیل بخشی کارگر مبارز نیشکر هفت‌تپه، نماینده کارگران و عضو مؤثر سندیکای کارگران این شرکت و تعداد دیگری از مبارزان و متهمان پرونده هفت‌تپه، همچنین آزادی موقت دو تن از متهمان پرونده روز جهانی کارگر، خوشحالی همه آزادی‌خواهان راستین و مدافعان آرمان‌های کارگری و سوسیالیستی را در پی داشت و مورد استقبال وسیع آنان قرار گرفت. شهد و شیرینی این



آزادی، بر چهره خانواده‌ها و سیمای جنبش پویای طبقه کارگر، لبخند سرور و شادی نشانند. روز شنبه ۴ آبان ۹۸، سپیده قلیان از حامیان کارگران هفت تپه با سپردن وثیقه سنگین به‌طور موقت از زندان قرچک ورامین آزاد شد. سپیده قلیان در ۳۰ دی ۹۷ بازداشت شد و پس از محاکمه در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست محمد مقبسه به ۱۸ سال حبس محکوم شده است. سه متهم دیگر پرونده هفت‌تپه، ساناز اللهیاری، امیرحسین محمدی‌فرد، اعضای تحریریه نشریه اینترنتی گام با سپردن وثیقه ۸۵۰ میلیون تومانی و امیر امیرقلی عضو دیگر تحریریه این نشریه با سپردن یک وثیقه سنگین نیز همان روز از زندان اوین به‌طور موقت آزاد شدند. عسل محمدی دانشجوی داروسازی دانشگاه آزاد تهران و عضو دیگر تحریریه این نشریه که ۱۳ آذر ۹۷ بازداشت شد و مانند سایر اعضای "گام" به ۱۸ سال حبس محکوم شده است، عصر روز شنبه یازده آبان به‌طور موقت از زندان اوین آزاد شد.

عاطفه رنگریز جامعه‌شناس و فعال حقوق کارگران و زنان که در تاریخ یازده اردیبهشت ۹۸ به‌خاطر شرکت در مراسم روز جهانی کارگر بازداشت و در شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ۱۱ سال حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شده است نیز روز ۴ آبان با سپردن وثیقه به‌طور موقت از زندان قرچک ورامین آزاد شد. همان روز مرضیه امیری روزنامه‌نگار و از متهمان پرونده روز جهانی کارگر که به ۱۰ سال و ۶ ماه حبس تعزیری و ۱۴۸ ضربه شلاق محکوم شده است، با سپردن وثیقه یک میلیارد

شیرینی "آزادی موقت" را وسیله‌ی آزادی بی‌قید و شرط سازیم



روز جهانی کارگر، در شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی افشاری به ۵ سال حبس تعزیری و ممنوعیت استفاده از وسایل مخابراتی هوشمند مانند تلفن همراه و ممنوعیت عضویت در گروه‌ها، احزاب و دستجات سیاسی و اجتماعی به مدت دو سال محکوم شده است. عماد کثیر از کارگران هفت تپه که در جریان اعتصابات و تجمعات اخیر کارگران بازداشت و روانه زندان شد مشمول پرونده سازی های قضائی و امنیتی شده است. محمد خنیفر، یوسف بهمنی، ابراهیم عباسی و برخی دیگر از کارگران هفت تپه، تحت پیگردهای قضایی و امنیتی قرار دارند. جرم‌تراشی و پرونده سازی برای کارگران پیشرو و مدافعان حقوق کارگر، با حدت و شدت ادامه دارد. احضار و بازداشت و ارباب و پرونده‌سازی در مورد دهها کارگر آذرب، دهها کارگر فولاد، دهها کارگر هپکو و دهها کارگر هفت تپه همچنان پابرجاست. نزدیک به ۲۰۰ کارگر پیشرو فعال اعتصاب در این واحدها با قرار وثیقه آزاد هستند. آزادی با قید وثیقه معنایش فقط این نیست که فرد آزاده شده‌ی وثیقه سپرده، هر آینه ممکن است دوباره بازداشت و مورد محاکمه قرار بگیرد و زندانی شود. رایج نمودن آزادی با قید وثیقه، در اساس، سرکوب متهم در خارج از زندان است. چماقی‌ست بالای سر زندانی آزاد شده. سرکوب مداوم اما آرام و بی‌سروصداست. وثیقه‌های سنگینی که نه فقط در حکم یک معضل بزرگ احتمالی بر زندانی و خانواده زندانی‌ست که اگر قادر به تأمین آن نباشد باید تا تجدید محاکمه در زندان بماند، بلکه در صورت تأمین آن نیز، وثیقه در حکم طنابی‌ست که دستگاه قضایی و امنیتی رژیم آگاهانه آن را بر دست و پای زندانی آزاد شده می‌بندد تا او را از مبارزه برای آزادی و برابری و احقاق حقوق خویش و گام نهادن در صف پیکارگران راه رهایی و تحقق آرمان‌های کارگری بازدارد.

بنابراین مبارزه ادامه دارد، مبارزه تا لغو تمام احکام صادر شده و پایان پرونده سازی‌ها، لغو تمام وثیقه‌ها و آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی ادامه دارد.

آزادی هر چند موقت متهمان پرونده هفت تپه و روز جهانی کارگر، کام تمام کارگران و مبارزان راه آزادی و سوسیالیسم را شیرین ساخت. شادی و شیرینی طعم این آزادی را به انرژی فعال بدل کنیم. مبارزه برای آزادی بی‌قید و شرط و بیدارنگ کارگران، دانشجویان، معلمان و عموم زندانیان سیاسی را تشدید کنیم و گام‌های جدیدی برای بارورسازی آرمان‌های آزادی‌خواهانه و کارگری برداریم.

زندانیان را نیز به آن اضافه کنیم، آن وقت مشاهده می‌کنیم که مجموعه فشارهای داخلی و بین‌المللی زیادی روی جمهوری اسلامی قرار داشت. رژیم جمهوری اسلامی در چنان شرایطی قرار گرفت که آزادی این عزیزان را ناگزیر می‌ساخت.

و اما نکته دوم و بسیار مهمی که حتماً باید به آن توجه کرد، موقتی بودن این آزادی است. از یاد نبریم که اسماعیل بخشی و سایر رفقا و عزیزانی که به‌طور موقت از زندان آزاد شده‌اند، به حبس‌های بسیار سنگینی محکوم شده‌اند. آزادی موقت، معنایش این است که هر آینه رژیم تصمیم بگیرد، آن‌ها را به دادگاه تجدیدنظر فرا می‌خواند و به بند می‌کشد. افزون بر این می‌دانیم که دهها کارگر، معلم و دانشجوی پیشرو و آزادی‌خواه و فعال جنبش‌های اجتماعی هم اکنون در زندان هستند که به حبس‌های طولانی مدت بسیار ظالمانه و سنگین محکوم شده‌اند. همین چند روز قبل، درست در لحظاتی که اسماعیل بخشی آزاد می‌شد، به خانواده معلم مبارز زندانی محمد حبیبی که از لحظه بازداشت، پرداخت حقوق ماهانه وی قطع شده و در بیدارگاه‌های حکومتی به ۱۰ ساله و ۶ ماه حبس و شلاق محکوم شده است، اعلام شد که این معلم مبارز ممنوع‌الملاقات شده است.

پرونده علی نجاتی چنان‌که اشاره شد کماکان مفتوح است و پاپوش‌هایی که برای وی دوخته‌اند به قوت خود باقی‌ست. رضا شهبانی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد



اتوبوسرانی تهران و حومه را که ۶ سال در زندان‌های مخوف رژیم محبوس بوده است، به تازگی در روزهای ۲۰ و ۲۹ مهر مورد بازجویی قرار داده‌اند. بازپرس به وی اعلام کرده تمام اعضای شناخته شده سندیکا احضار و بازجویی می‌شوند. چند تن دیگر از اعضای این سندیکا از جمله رسول طالب مقدم و داود رضوی همین چند ماه پیش به دادگاه احضار و محاکمه شدند. حسن سعیدی از بازداشت شدگان

درهم‌شکستن زندانی و بازدارندگی از مبارزه دنبال می‌شود. اما این سیاست نیز نتوانسته و نمی‌تواند کارگران و زحمتکشان را از مبارزه و ادامه آن بازدارد.

اما علاوه بر فاکتور مبارزه و مقاومت خود زندانیان در داخل زندان، روشن است که مجموعه مبارزات و فعالیت‌های خارج از زندان، در اعتراض به بازداشت اسماعیل بخشی و مجموعه متهمان پرونده هفت تپه و روز جهانی کارگر، نقش بسیار مهمی در آزادی آن‌ها، ایفا کرده است. در راس همه این تلاش‌ها و فعالیت‌ها، مبارزات کارگران هفت تپه قرار دارد. کارگران هفت تپه در اعتصابات و مبارزات مکرر خود پس از بازداشت اسماعیل بخشی، همواره خواستار آزادی وی بودند. خواست آزادی اسماعیل بخشی در اعتصاب سی و چند روزه اخیر و تجمعات روزانه کارگران، بسیار برجسته و پر رنگ بود. کارگران هفت تپه از همان روزهای نخست اعتصاب همراه با شعار "اسماعیل رو گرفتن - ما همه بخشی هستیم" خواهان آزادی وی شدند. کارفرمای هفت تپه و حامیان دولتی آن می‌دانستند که در هر حال یکی از خواست‌های مهم کارگران، آزادی اسماعیل بخشی و بازگشت به کار وی می‌باشد. بنابراین اعمال فشار کارگران اعتصابی هفت تپه در آزادی اسماعیل بخشی و متهمان پرونده هفت تپه موثر بود.

غیر از کارگران هفت تپه، می‌دانیم که کارگران آذرب، هپکو، فولاد، واگن‌پارس، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون نویسندگان ایران، کانون صنفی معلمان، تشکل‌های گوناگون بازنشستگان و فعالان کارگری، نیز همواره یکی از خواست‌هایشان آزادی اسماعیل بخشی و سایر متهمان پرونده هفت تپه و روز جهانی کارگر بوده است. بخش رادیکال جنبش دانشجویی نیز یکی از خواست‌های عمده و محورهای اصلی فعالیت خود را دفاع از جنبش کارگری قرار داده و با شعار "از هفت تپه تا تهران - زحمتکشان در زندان" خواستار آزادی اسماعیل بخشی و سایر متهمان پرونده هفت تپه و اول ماه مه بوده است.

صرف نظر از تلاش و پیگیری خانواده‌ها که بدون شک نقش بسیار مهمی در آزادی بستگان خویش داشته‌اند، باید به نقش سازمان‌ها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست مدافع آزادی و سوسیالیسم و همچنین دهها نهاد بین‌المللی و تشکل اتحادیه‌ای در خارج از کشور نیز اشاره نمود که از همان آغاز، این بازداشت‌ها را محکوم نموده، آکسیون‌های متعددی را سازمان داده‌اند و پیگیرانه خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط آن‌ها بوده‌اند و در این راستا فشارهای معینی را نیز بر جمهوری اسلامی وارد ساختند. اگر به مجموعه این فعالیت‌ها و اعتراضات، فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای که در تلگرام و فیس‌بوک و سایر شبکه‌های مجازی در دفاع از اسماعیل بخشی و سایر متهمان پرونده هفت تپه و روز جهانی کارگر برای آزادی این

خامنه ای نسخه سرکوب قیام مردم عراق و لبنان را پیچید

خامنه ای، سپس قیام مردم عراق را با خیزش سلحشوران جوانان و توده های زحمتکش مردم ایران در دیماه ۹۶ مقایسه کرده و آنگاه با نسبت دادن هر دوی این اعتراضات وسیع مردمی به دخالت کشورهای "بیگانه" گفت: "برای کشور عزیز ما هم از این فکرها کرده بودند که خوشبختانه مردم به موقع در میدان حضور پیدا کردند و خنثی شد".

جملات بالا، سرفصل هایی از افاضات خامنه ای در مراسم روز چهارشنبه بود. با همین مقدار از سخنان خامنه ای، کاملاً آشکار است که او چه می خواهد بگوید و چه توصیه های سرکوبگرانه ای برای دولت و نیروهای امنیتی عراق و لبنان در سر دارد. خامنه ای با پنهان شدن پشت واژه "مردم" و بیان حضور به موقع آنان در میدان، که همان حضور سرکوبگرانه و فاشیستی نیروی انتظامی، گله های بسیجی و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در کشتار مردم ایران بوده اند، عملاً همان طرح سرکوب را برای کشتار بیشتر توده های بپا خاسته عراق و لبنان نسخه پیچی کرده است. همان شیوه ای که جمهوری اسلامی به بیرحمانه ترین شکل ممکن در وقایع سال ۸۸ و پس از آن در خیزش انقلابی جوانان و توده های فقر زده مردم ایران در دیماه ۹۶ برای سرکوب اعتراضات میلیونی مردم ایران به کار گرفت.

خامنه ای اما به همین مقدار بسنده نکرد. او در ادامه با بیانی صریح تر مبنی بر اینکه "دشمنان" در صدد ایجاد ناامنی در عراق و لبنان هستند، به "دلسوزان عراق و لبنان" توصیه کرد که اولویت اول شان را در "علاج ناامنی" قرار دهند.

از این واضح تر دیگر ممکن نبود، تا خامنه ای فرمان سرکوب مردم بپا خاسته عراق و لبنان را به سپاه بدر، نیروهای حشدالشعبی، حزب الله لبنان و دیگر مزدوران وابسته به جمهوری اسلامی در عراق و لبنان توصیه کند. همان نیروهای مرتجع و مزدوری که خامنه ای از آنان به عنوان "مردم" و "دلسوزان عراق و لبنان" نام برده است. نیروهای شبه نظامی و آدمکشانی که توسط شاخه برون مرزی سپاه قدس پاسداران به فرماندهی قاسم سلیمانی در لبنان و عراق جهت پیشبرد استراتژی توسعه طلبانه و اهداف پان اسلامیستی جمهوری اسلامی سازماندهی شده اند.

به رغم تاکید آشکار خامنه ای به دولت های عراق و لبنان و توصیه صریح او به نیروهای مزدور جمهوری اسلامی در امر سرکوب قیام توده های مردم عراق و لبنان، اینبار اما فقط او نبود که تحت پوشش "علاج

ناامنی"، فرمان سرکوب مردم عراق و لبنان را صادر کرد. دولت نیز همراه خامنه ای همان نسخه ولی فقیه جمهوری اسلامی را به زبانی دیگر برای در هم کوبیدن قیام توده های فقر زده لبنان و عراق صادر کرد.

محمود واعظی، رئیس دفتر حسن روحانی نیز صبح چهارشنبه، ضمن بیان اینکه دشمنان جمهوری اسلامی "تلاش زیادی انجام می دهند، با شعارهایی که درست می کنند فاصله بین جمهوری اسلامی با عراق ایجاد کنند و باید هم آن ها و هم ما این آگاهی را داشته باشیم که خارجی ها به اهدافشان نرسند"، گفت: "وضعیتی الان به وجود آمده و اینکه هم آمریکا و برخی کشورهای دیگر و رژیم صهیونیستی روی خواسته های مردم سوار شده و هم فضای مجازی را کنترل می کنند، هم خط می دهند و هم از نظر مالی حمایت می کنند، و به نظر می رسد در مجموع [اوضاع] به ضرر مردم لبنان و عراق است".

در واقع هم خامنه ای و هم کابینه حسن روحانی در یک هم آوایی مشترک، با نسبت دادن قیام توده های تحت ستم لبنان و عراق به دخالت دولت هایی همانند آمریکا، عربستان و اسرائیل، به آشکارترین وجه ممکن در صدد ترغیب حزب الله برای سرکوب اعتراضات میلیونی مردم لبنان و نیز برانگیختن دولت عراق و مزدوران سپاه بدر و حشدالشعبی برای سرکوب و کشتار بیشتر معترضین، در صدد پایان دادن به قیام عمومی مردم عراق و لبنان شده اند. توده های مردمی که اگرچه خوشبختانه در لبنان تا کنون تلفات سنگینی نداده اند، اما در عراق طی همین یک ماهی که اعتراضات وسیع خیابانی می گذرد، شوربختانه بیش از ۲۵۰ نفر کشته و هزاران تن دیگر نیز زخمی شده اند.

توده های مردمی که از ظلم و ستم، دزدی و فساد، فقر و بیکاری و کشتار و ناامنی ایجاد شده توسط دولت های مرتجع عراق و لبنان جان شان به لب رسیده و اکنون برای تغییر وضعیت موجود به اعتراضات وسیع خیابانی روی آورده اند. در واقع ناامنی موجود در عراق و لبنان آنگونه که خامنه ای ادعا کرده است، نه فقط با دخالت آمریکا و دیگر کشورهای منطقه مورد نظر خامنه ای، که عمدتاً از طرف خود جمهوری اسلامی در سازماندهی گروه های شبه نظامی و نیز در نتیجه ادامه کاری همین دولت های منحط فرقه ای، قومی و قبیله ای حاکم بر عراق و لبنان ایجاد شده است. همان سیستم های فرقه ای و مذهبی که طی سالیان متمادی بر توده

های مردم این کشورها تحمیل شده است. دولت هایی که در فساد و رانت خواری غوطه ورنند و ناامنی و فقر و فلاکت و بیکاری گسترده ای را بر توده های زحمتکش این دو کشور تحمیل کرده اند. توده هایی که اکنون با مطالبه تغییر ساختار حکومتی به خیابان ها ریخته اند تا با برچیدن بساط سیستم فرقه ای و قبیله ای حاکم بر عراق و لبنان، به کار، نان، آزادی و امنیت اجتماعی دست یابند.

در واقع آنچه موجب نگرانی هیات حاکمه ایران شده است، وجود همین شعارهای ضد دولتی و مطالبات معیشتی بر حق توده های فقر زده ای است که اکنون به صورت میلیونی در اعتراض به فساد و دزدی دولت های حاکم در خیابان ها حضور یافته اند. خواست هایی که این روزها به طور روز افزونی با شعارهایی علیه سپاه پاسداران، قاسم سلیمانی همراه با مطالبه خروج نیروهای مزدور جمهوری اسلامی از عراق و لبنان رقم خورده است. همان شعارهای واعظی، رئیس دفتر حسن روحانی از آن با عنوان "تلاش آمریکا و برخی کشورهای دیگر" برای "ایجاد فاصله" میان عراق با جمهوری اسلامی یاد کرده است.

در واقع تمام نگرانی خامنه ای و هیات حاکمه ایران که اینگونه شتابزده خواهان سرکوب بیشتر معترضین برای پایان دادن به اعتراضات وسیع خیابانی در عراق و لبنان شده اند، ناشی از همین مطالبات برحق توده های بپاخاسته برای برچیدن بساط دولت های مذهبی، قبیله ای و فرقه ای حاکم بر این کشورها است. سیستمی که منافع جمهوری اسلامی و نیروهای مزدورش در عراق و لبنان، به طور ریشه ای با استمرار آن گره خورده است و هیات حاکمه ایران هرگز خواهان تغییر ساختاری حکومت فرقه ای در این دو کشور نیست.

گسترش دامنه اعتراضات در عراق و لبنان که تاکنون منجر به استعفای سعد حریری، نخست وزیر لبنان و قبول استعفای نخست وزیر عراق از طرف رئیس جمهوری این کشور شده است، عملاً نگرانی بیشتر خامنه ای را دامن زده است. علاوه بر موارد فوق، باید از صدور بیانیه حشدالشعبی و نگرانی این نیروی مزدور وابسته به جمهوری اسلامی از گسترش شعارهای ضد جمهوری اسلامی در عراق یاد کرد. بیانیه ای که حشدالشعبی با صدور آن، از "سکوت دولت و وزارت خارجه عراق" و نیز از "سکوت احزاب، شخصیت ها و علماء این کشور" نسبت به شعار های "آهانت" آمیزی که توده های مردم عراق این روزها علیه خامنه ای و دیگر رهبران جمهوری اسلامی سر می دهند، اظهار نگرانی و تعجب کرده است.



آزادی موقت اسماعیل بخشی، خجسته و مبارک باد

طبق اخبار منتشره و نیز بر اساس اطلاعیه جمعی از کارگران هفت تپه که در کانال مستقل هفت تپه درج شده است، اسماعیل بخشی، نماینده شجاع و یکی از سخنگویان کارگران هفت تپه امروز چهارشنبه هشتم آبان، با قید وثیقه سنگین ۷۵۰ میلیون تومانی به طور موقت از زندان آزاد شد. پیش از این نیز، در روز شنبه ۴ آبان مرضیه امیری و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان تجمع روز جهانی کارگر در تهران به همراه ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد، سه تن از اعضای هیئت تحریریه نشریه اینترنتی گام و سپیده قلیان، خبرنگار و فعال کارگری که در ارتباط با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و همزمان با اسماعیل بخشی دستگیر شده بود، با قید وثیقه های سنگین و به طور موقت آزاد شده بودند. این آزادی بر طبقه کارگر، خانواده های این عزیزان آزاد شده و فعالان جنبش کارگری خجسته و مبارک باد!

این روزها، برای طبقه کارگر ایران و تمامی فعالان جنبش کارگری ایران روزهای پرشکوهی هستند. این روزها را باید در حافظه تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری ایران ثبت و ماندگار ساخت. ماندگاری این روزها، نه صرفا به یمن آزادی اسماعیل بخشی و دیگرانی که با برافراشتن پرچم جان در زندان های جمهوری اسلامی مقاومت کردند و حماسه آفریدند، و اکنون به طور موقت از زندان آزاد شده اند، بلکه به پاس تلاش و مبارزه پیگیرانه کارگران و فعالان جنبش کارگری در دفاع همه جانبه از اسماعیل بخشی و دیگر عزیزانی که در ارتباط با پرونده هفت تپه دستگیر و شکنجه شدند، باید در تاریخ مبارزاتی جنبش کارگری ایران ثبت گردد.

بدون شک اگر وحدت و یکپارچگی و دفاع همه جانبه کارگران نیشکر هفت تپه برای آزادی اسماعیل بخشی نبود، ما هرگز شاهد همین آزادی موقت این نماینده شجاع کارگران هفت تپه نبودیم. از این رو جا دارد آزادی اسماعیل بخشی و دیگر عزیزانی را که این روزها به طور موقت از زندان ها و شکنجه گاه های جمهوری اسلامی آزاد شده اند، قدر بدانیم و این آزادی را به طبقه کارگر ایران و خانواده های این عزیزان تبریک و شادباش بگوئیم و پیگیرانه برای آزادی بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی، بویژه ندا ناجی از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و عسل محمدی از اعضای هیئت تحریریه نشریه اینترنتی گام که همچنان در چنگال شکنجه گران جمهوری اسلامی اسیرند، تلاش کنیم.

سازمان فدائیان (اقلیت)، آزادی اسماعیل بخشی و شش تن دیگر از فعالان کارگری و اجتماعی را که این روزها به طور موقت از زندان های جمهوری اسلامی آزاد شده اند، به طبقه کارگر ایران و خانواده های آنان صمیمانه تبریک و شادباش می گوید.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن ارج گذاشتن بر تلاش همه جانبه کارگران و فعالان جنبش کارگری که پیگیرانه برای آزادی اسماعیل بخشی و دیگر زندانیان کارگری تلاش کردند، بر این باور است که تنها و تنها با وحدت و یکپارچگی طبقاتی، گسترش مبارزه و عمومی کردن شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، می توان جمهوری اسلامی را به عقب نشینی باز هم بیشتر در مسیر آزادی کامل و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی واداشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی

نابود باد نظام سرمایه داری

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

سازمان فدائیان (اقلیت)

۸ آبان ۱۳۹۸

کار، نان، آزادی - حکومت شورایی

خامنه ای نسخه سرکوب قیام مردم عراق و لبنان را پیچید

همه این وقایع به روشنی نشان می دهد که روند اعتراضات توده های زحمتکش این دو کشور، تا چه حد به ضرر جمهوری اسلامی پیش می رود. این ها اما بخشی از نگرانی خامنه ای از وضعیت بوجود آمده است. نگرانی بیشتر خامنه ای، از تاثیر گذاری تحولات لبنان و عراق روی کارگران و توده های زحمتکش مردم ایران است. تراکم خشم و نفرت کارگران و توده های عصبان زده بعد از خیزش انقلابی دیماه ۹۶ اکنون به سان انبار باروتی است که تنها یک جرقه می تواند آن را به یک حریق بزرگ تبدیل کند و همین حریق است که خامنه ای را این چنین به نگران و وحشت زده ساخته است. وحشتی که خامنه ای را بر آن داشته تا آشکارا خواهان سرکوب بی حد و حصر معترضین و خاتمه دادن به ادامه اعتراضات وسیع خیابانی در لبنان و عراق شود.

گسیل ۷۰۰۰ نیروی سپاه پاسداران از ایران به عراق که این روزها خبر آن توسط یک موسسه تحقیقاتی روسیه بنام "بنیاد فرهنگ استراتژیک" منتشر شده است به همراه ورود شتابزده قاسم سلیمانی به عراق و رای زنی او با مقامات عراقی جهت قبولاندن "هادی العامری" یکی دیگر از دست نشاندهان جمهوری اسلامی به جای عادل عبدالمهدی نخست وزیر مستعفی عراق، جملگی در راستای همان توصیه خامنه ای به مزدوران جمهوری اسلامی در عراق و لبنان است. توصیه ای سرکوبگرانه برای خاموش کردن صدای انقلاب و خاتمه دادن به اعتراضات وسیع توده ای در این کشورها است. توده های معترضی که این روزها با حضور میلیونی در خیابان های لبنان و نیز با حضور ده ها هزار نفری در شهرهای شمال و جنوب عراق و با سنگر بندی در پاره ای از پل ها و مناطق استراتژیک و نیز تصرف میدان تحریر (آزادی) بغداد، اراده کرده اند تا برچیدن نظام فاسد و منحط فرقه ای و قبیله ای در عراق و لبنان و دست یابی به دیگر مطالبات معیشتی شان از پای ننشینند.



با خواست آزادی همه زندانیان سیاسی، به جشن آزادشدگان بنشینیم

شامگاه شنبه چهارم آبان ۱۳۹۸، مرضیه امیری و عاطفه رنگریز از بازداشت شدگان تجمع روز جهانی کارگر در تهران به همراه ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، امیرحسین محمدی فرد از اعضای هیئت تحریریه نشریه اینترنتی گام و سپیده قلیان فعال کارگری که در ارتباط با اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه دستگیر شده بود، با قید وثیقه های سنگین به طور موقت آزاد شدند. آزادی این عزیزان زندانی را که هرچند به طور موقت و با سپردن وثیقه های سنگین آزاد شده اند، بدون هیچ اما و اگری باید جشن گرفت. آزادی موقت این شش فعال اجتماعی - کارگری را، که آزادی شان بی هیچ شبهه ای مرهون استقامت و پایداری آنان در زندان های جمهوری اسلامی بوده است، باید به طبقه کارگر ایران، فعالان جنبش کارگری و همه کوشندگان و تلاش گرانی که در مدت زندانی بودن آنان، صدای رسای مقاومت این عزیزان شکنجه شده در عرصه های داخلی و بین المللی بوده اند، تیریک و شاد باش گفت. عزیزان دربندی که با پرچم جان در مقابل دژخیمان جمهوری اسلامی ایستادند و صدای مقاومت و پایداریشان را به هر طریق ممکن از درون زندان های مخوف قرچک و اوین به درون جامعه انعکاس دادند. بی تردید اگر تداوم اعتصابات و اعتراضات کارگری، گسترش جنبش های اعتراضی و مقاومت قهرمانانه و ستودنی این عزیزان زندانی نبود، ما اکنون شاهد همین آزادی موقت آنان نیز نبودیم. عاطفه رنگریز، سپیده قلیان و همه آن عزیزان دیگری که با پرچم جان در مقابل سرکوبگران جمهوری اسلامی ایستادند، اکنون بخشی از نماد مقاومت و پایداری زندانیان سیاسی در جنبش حق طلبانه کارگران و زحمتکشان جامعه ما هستند. جا دارد دوباره بر این امر تاکید گردد، که اگر تداوم جنبش های



اعتراضی و مقاومت قهرمانانه این عزیزان در زندان های جمهوری اسلامی نبود، اگر کوشش همه جانبه و بی دریغ سازمان های سیاسی، فعالان اجتماعی و شبکه های مجازی در پژواک دادن مقاومت آنان در بیرون از زندان نبود، ما هرگز شاهد آزادی موقت آنان نیز نبودیم. از این رو، باید بر این مقاومت و پایداری شان ارج گذاشت و بر آنان دست مریزاد گفت.

اما این تمام ماجرا نیست. از یاد نبریم که اسماعیل بخشی، کارگر شجاع نیشکر هفت تپه که در دی ماه سال گذشته دستگیر و طی این مدت با شکنجه های روحی و جسمی فراوانی مواجه بوده است، هنوز در زندان است. اسماعیل که قرار بود روز یکشنبه با وثیقه سنگین ۷۵۰ میلیون تومانی به طور موقت آزاد شود، هنوز در چنگال سرکوبگران جمهوری اسلامی گرفتار است و دختر کلاس اولی اش، که اول مهر امسال بدون حضور پدر پای به مدرسه گذاشت، هنوز برای آزادی پدر و در آغوش کشیدن او دل تنگ و در انتظار است. فراموش نکنیم محمد خنیفر دیگر کارگر مبارز هفت تپه، ندا ناجی، از بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و عسل محمدی، دیگر عضو هیئت تحریریه نشریه اینترنتی گام، همچنان در چنگال شکنجه گران جمهوری اسلامی اسیر و گرفتارند.

آزادی موقت این شش عزیز زندانی را باید با صدای بلند به همگان شادباش گفت، اما این آغاز راه است. فراموش نکنیم هنوز محمد حبیبی، سعید شیرزاد، محمود بهشتی لنگرودی، اسماعیل عبدی، جعفر عظیم زاده، محمد نظری، زینب جلالیان، مژگان کشاورز، منیره عربشاهی، یاسمین آریایی، پیام شکبیا و لیبلا حسین زاده در زندانند. هنوز دانشجویان و دختران و زنان و مردان دیگری به جرم دفاع از مطالبات کارگران، دفاع از آزادی های سیاسی، دفاع از حقوق زنان و دفاع از منافع توده های زحمتکش ایران اسیر زندان و بندند و روزانه با اهانت و سرکوب و تحقیر زندانبانان جمهوری اسلامی مواجه اند.

این آغاز راه است، باید برای آزادی همه کارگران زندانی، همه زنان و مردانی که به جرم دفاع از آزادی های فردی و اجتماعی، دفاع از آزادی بیان و اندیشه، دفاع از منافع کارگران و توده های زحمتکش ایران دستگیر و زندانی شده اند، تلاش کرد و در این مبارزه با عزمی استوار خواهان آزادی کامل و بی قید و شرط همه زندانی سیاسی بود.

زنده باد مقاومت و پایداری زندانیان
پر طنین باد صدای اعتراض همگانی با خواست آزادی بی قید و شرط زندانیان سیاسی
سرسنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم
۶ آبان ۱۳۹۸
۲۸ اکتبر ۲۰۱۹

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

تجمع اعتراضی بزرگ بازنشستگان در ۱۹ آبان

بازنشستگان سال‌ها در این کشور زحمت کشیدند و حق بیمه پرداختند، تا در دوران کهولت و بازنشستگی زندگی خود را در آرامش و آسایش بگذرانند، اما در نتیجه سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی، امروزه از جهات مختلف با بدترین شرایط ممکن مواجه‌اند. اکثریت بزرگ بازنشستگان ایران در فقر کمرشکنی به سر می‌برند. متجاوز از ۶۰ درصد بازنشستگان تأمین اجتماعی حداقل حقوق را دریافت می‌کنند و بیش از ۸۰ درصد بازنشستگان زیرخط فقر زندگی می‌کنند. در حالی که تورم ساعت به ساعت افزایش می‌یابد، سطح زندگی مستمری‌گیران دائماً تنزل می‌کند و به اعماق فقر فرو می‌روند. سال گذشته نرخ واقعی تورم به ۶۰ درصد رسید. امسال نیز وضع بر همین منوال است.

مراکز رسمی دولتی نرخ تورم یک‌ساله را تا آخر مهرماه ۴۲ درصد اعلام کرده‌اند، این در حالی است که اصلی‌ترین مایحتاج روزمره مردم در این فاصله بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. به گزارش ایسنا در همین مدت، جای بسته‌های ۸۷ درصد، گوشت ۶۸ درصد و شیر ۶۱ درصد افزایش یافته است. هر بسته نیم کیلویی جای از ۲۹ هزار تومان در مهرماه پارسال با ۲۷ هزار تومان افزایش به ۵۶ هزار تومان رسیده است.

هر کیلوگرم گوشت گوسفندی از ۵۸ هزار تومان به ۹۸ هزار تومان رسیده که رشد ۴۰ هزار تومانی دارد. هر لیتر شیر از متوسط ۳۶۰۰ به ۵۸۰۰ تومان رسیده که رشد ۶۱ درصدی را نشان می‌دهد. ماست ۲۰۰۰ تومان، نیم کیلو پنیر ۳۱۰۰، شکر ۱۹۰۰، قند ۲۴۰۰، برنج ایرانی ۸۰۰۰، روغن مایع ۹۰۰ گرمی به‌طور متوسط ۱۳۰۰، هر کیلوگرم مرغ ۳۴۰۰ و هر کیلوگرم پیاز ۶۰۰ تومان گران شده است.

این بدنام‌ناست که افزایش نرخ تورم حتی بر طبق نظر رسمی دولتی، بیش از دو برابر و در واقعیت بیش از سه برابر افزایش اسمی حقوق بازنشستگان در سال جاری بوده است. با این وجود، به‌رغم اعتراضات مکرر بازنشستگان، دولت حتی یک گام کوچک نیز در جهت بهبود شرایط مادی و معیشتی بازنشستگان برداشته است. بنابراین یکی از مطالبات مهم بازنشستگان "ارتقاء سطح دریافتی حقوق‌گیران و مستمری‌گیران به میزان بالاتر از خط فقر کارشناسی شده متناسب با هزینه زندگی استاندارد امروزی است."

در همین حال توأم با تورم، هزینه‌های بهداشتی و درمانی افزایش شدیدی داشته است. لذا با افزایش روزافزون هزینه‌های درمانی فشار بر بازنشستگان پیوسته افزایش یافته است. در مردادماه امسال یک عضو هیئت‌مدیره کانون بازنشستگان تهران گفت: هزینه‌های درمانی

به‌اندازه‌ای بالا رفته که اگر یک بازنشسته تمام حقوقش را هم برای هزینه‌های درمانی اختصاص دهد، باز هم جوابگو نیست. بازنشستگان خواستار بهبود بیمه خدمات درمانی، لغو بیمه تکمیلی و برقراری بیمه کارآمد و رایگان هستند.

یکی از خواسته‌های مهم بازنشستگان که همواره در تجمعات خود بر آن تأکید کرده‌اند، همسان‌سازی مستمری‌ها، یعنی هم‌ترازی حقوق بازنشستگان با شاغلین است.

بازنشستگان کشوری خواهان اجرای کامل ماده ۶۴ و ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب سال ۸۶ هستند. بر طبق این مواد می‌بایستی همسان‌سازی مستمری‌ها به مرحله اجرا درآید، به هر میزان که به حقوق شاغلان افزوده می‌شود به مستمری بازنشستگان نیز افزوده گردد و علاوه بر این، مستمری‌ها بر اساس نرخ تورم افزایش یابند. جمهوری اسلامی حتی از اجرای مصوبه خود نیز سرباز زده است. وضع بازنشستگان تأمین اجتماعی نیز بر همین منوال است. سازمان تأمین اجتماعی نیز به بهانه بدهی کلان دولت از اجرای مصوبه همسان‌سازی برای بازنشستگان تأمین اجتماعی که قرار بود در طول برنامه ششم اجرا گردد، خودداری کرده است. بر طبق محاسبه‌های نشرین هزاره مقدم در سایت دولتی ایلنا چنانچه دولت بخواهد حتی یک همسان‌سازی حداقلی را برای بازنشستگان لاقول در سال آینده عملی سازد، باید در لایحه بودجه ۹۹ یک اعتبار ۲۶ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومانی را برای سه صندوق بازنشستگی کشوری، تأمین اجتماعی و فولاد در نظر بگیرد.

"اما اگر همه این بودجه نیز به‌صورت جداگانه در لایحه بودجه ۹۹ گنجانده شود، باز هم همسان‌سازی آن‌گونه که منظور و مُراد بازنشستگان است، اجرایی نخواهد شد؛ چراکه این اعتبار فقط برای اجرای کف هم‌ترازی و یک افزایش حداقلی کفایت می‌کند و قرار نیست به‌یک‌باره فاصله مستمری‌های ۲ یا ۵ / ۲ میلیون تومانی با سبد معاشی که تا امروز به مرز ۸ میلیون تومان رسیده، پُر شود."

جمشید تقی زاده مدیرعامل پیشین صندوق بازنشستگی کشوری، سال گذشته گفته بود که در صورت اجرای طرح همسان‌سازی، حقوق ۸۲ درصد بازنشستگان به ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان خواهد رسید. ببینید اکثریت بسیار بزرگ بازنشستگان در چه شرایط معیشتی به سر می‌برند. در حالی که رقم خط فقر به ۸ میلیون تومان درآمده رسیده است، اگر حتی همسان‌سازی نیز کاملاً اجرا شود، حقوق ۸۰ درصد بازنشستگان یک چهارم خط فقر خواهد بود.

بازنشستگان همچنین خواستار آن هستند که دولت بدهی خود را به صندوق تأمین اجتماعی

که اکنون به رقم ۲۵۰ هزار میلیارد تومان افزایش یافته است، سریعاً پرداخت کند. دولت اما تا کنون از پرداخت بدهی خود به صندوق تأمین اجتماعی به بهانه افلاس و ورشکستگی سرباز زده است. در حالی که جمهوری اسلامی هر سال تریلیون‌ها تومان صرف هزینه‌های دستگاه نظامی و سرکوب خود می‌کند و اگر کم و کسری داشت از صندوق ذخیره ارزی برداشت می‌کند، نه فقط همسان‌سازی را به بهانه وضعیت خراب مالی اجرائی کند، بلکه بدهی خود را به صندوق تأمین اجتماعی نمی‌پردازد. این عدم پرداخت نیز بهانه‌ای شده است برای تأمین اجتماعی که فشار آن را بر عهده کارگران قرار دهد و همسان‌سازی را اجرائی نکند. علاوه بر این، فساد، دزدی‌های کلان و ناکارآمدی مدیران انتصابی دولت در صندوق‌ها، واقعیتی است که مکرر نمونه‌هایی از آن بر ملا شده است. بازنشستگان علاوه بر "توقف تعرض به منابع و امکانات صندوق‌ها، اعاده منابع صندوق‌های بازنشستگی و جبران خسارت و استرداد بدهی‌های دولت به صندوق‌ها" خواستار "ایجاد سازوکار مناسب به‌منظور کنترل و نظارت بر آن‌ها توسط منتخبین واقعی بازنشستگان" شده‌اند.

چندی پیش میلاد صالحی، مدیرعامل پیشین بازنشستگی کشوری که از شناسایی صدها میلیاردی فساد در این صندوق خبر داده بود، پس از ۵ ماه مسئولیت در این مقام در مردادماه امسال برکنار شد و دیگر خبری هم از این فساد صدها میلیاردی انتشار نیافت. تا کنون از سوءاستفاده‌های مالی و دزدی‌های کلان در صندوق تأمین اجتماعی نیز چندین مورد علنی شده است. اما مطالبات بازنشستگان به موارد ذکر شده محدود نیست. آن‌ها همان‌گونه که در بیانیه‌های پیشین خود اعلام کرده‌اند، از جمله خواستار به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکلهای مستقل بازنشستگان، توقف سیاست خصوصی‌سازی در عرصه تولید، آموزش، بهداشت و درمان و خدمات عمومی شده‌اند.

تمام این مطالبات همچنان توسط رژیم جمهوری اسلامی، بی‌جواب مانده است. بنابراین همان‌گونه که بازنشستگان در بیانیه اخیر خود اعلام کرده‌اند:

"تنها راه برون‌رفت از شرایط فعلی اتحاد و یکپارچگی بازنشستگان و همه مزدگیران حول مطالبات مشترک، با حضور گسترده و خستگی‌ناپذیر در تجمعات و اعتراضات به‌طور مستمر می‌باشد."



تجمع اعتراضی بزرگ بازنشستگان در ۱۹ آبان

برای ارتباط با **سازمان فدائیان (اقلیت)** نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

kar.fadaianaghaliyat

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 845 November 2019

در تجمع اعتراضی ۱۷ مهرماه مقابل سازمان برنامهبودجه، بازنشستگان کشوری برای چندمین بار خواهان تحقق مطالبات خود شدند. آن‌ها پلاکاردهائی با خود حمل می‌کردند که بر روی آن‌ها نوشته‌شده بود: بازنشسته بیا خیز علیه رفع تبعیض، کو بهداشت کو درمان مرگ بر ظالمان، گرانی، تورم، بلای جان مردم. آن‌ها شعار سر می‌دادند: فریاد، فریاد از این همه بیداد، فرهنگی بیدار است از تبعیض بیزار است، فرهنگی می‌میرد ذلت نمی‌پذیرد. اما تنها پاسخی که تا کنون به مطالبات برحق بازنشستگان داده‌شده است، گسیل گله‌های نیروهای سرکوب برای متفرق کردن تجمع‌ها و بازداشت بازنشستگان بوده است.

در صفحه ۹

معیشت بازنشستگان، با اشاره به افزایش مشکلات بهداشتی و درمانی بازنشستگان، بی‌پاسخ ماندن "مطالبه درمان مناسب و بیمه کارآمد و مؤثر" می‌افزاید "علاوه بر این، هیچ اقدام جدی در مورد کاهش نرخ تورم و افزایش و ترمیم حقوق بازنشستگان مطابق هزینه سبد خانوار، توانمندسازی و احیای ظرفیت صندوق‌ها، پرداخت بدهی‌های دولت به آن‌ها و کنترل و نظارت نمایندگان واقعی بازنشستگان بر صندوق‌ها صورت نگرفته است."

گروه‌های مختلف بازنشستگان در طول چند ماهی که از سال جاری می‌گذرد، مکرر دست به اعتراض و برپائی گرد همایی و تظاهرات زده‌اند. آن‌ها، تنها در مهرماه چندین تجمع اعتراضی برپا کردند.



shora.tv@gmail.com

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی از اول فوریه ۲۰۱۹ برابر با ۱۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۷ بر روی شبکه تلویزیونی Komala TV / Shora TV پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی "کومله تی‌وی / شورا تی‌وی" بدین قرار است:

ماهواره یاه ست (yahsat) فرکانس: ۱۱۹۵۷ سیمبل ریت ۲۷۴۸۰
پولاریزاسیون عمودی

ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی:
دوشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

سه‌شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

چهارشنبه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

پنجشنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

جمعه: از ساعت ۹ تا ۱۱ شب

شنبه: از ساعت ۹ تا ۱۰ شب

شنبه: بازپخش ساعت ۳ تا ۵ بامداد - ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و ساعت ۳ تا ۵ عصر

یکشنبه: بازپخش ساعات ۳ تا ۴ بامداد، ساعت ۹ تا ۱۰ صبح و ساعت ۳ تا ۴ بعدازظهر

آدرس ایمیل: Shora.tv@gmail.com، شماره تلفن:

۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی